

بیمه اتکایی اجباری در نیجریه

ترجمه: مجید ذوالقدر

کارشناس اداره بیمه های اتکایی اجباری غیرداری

بیمه مرکزی ایران

امروزه امنیت فعالیت بیمه در نیجریه رو به افزایش است. از ابتدای سال ۱۹۷۷ فعالیت ها در بخش واگذاری قانونی بحث برانگیزترین مسئله بوده است چرا که در نتیجه این فعالیت ها سودهای سرشاری نصیب شرکت بیمه اتکایی دولتی نیجریه شده است. هدف این مقاله بررسی ریشه ها و راهکارهای توسعه بیمه اتکایی در کشور نیجریه است. ضمن اینکه موضوع واگذاری اجباری که شرکت بیمه اتکایی نیجریه از آن سود می برد، اکنون دیگر فایده خود را از دست داده است. با این همه واگذاریهای قانونی تنها فعالیت بیمه اتکایی در نیجریه نیست و دولت ادعان دارد که ایجاد یک محیط کلان اقتصادی که به فعالیت پویای بیمه و بیمه اتکایی در نیجریه منجر شود نیازی اجتناب ناپذیر بوده و فقدان چنین محیطی به عدم تمایل نقش آفرینان بیمه بین المللی در بیمه اتکایی نیجریه منتهی شده است.

از ۸۰ درصد کل دارایی های شرکت بیمه است. ۸۰ درصد از مجموع حق بیمه ناخالص صنعت بیمه این کشور بالغ بر ۳ میلیارد نایره نیز متعلق به شرکت اتکایی نیجریه است. به علاوه ۸۰ درصد از کل سرمایه بیمه ای صنعت بیمه کشور به میزان ۱/۲ میلیارد نایره از آن این شرکت است. تسلط شرکت اتکایی نیجریه بر بخش اتکایی به دنبال اصلاح قانون

امروزه فعالیت بیمه اتکایی در نیجریه رو به گسترش است و مشکل اساسی این فعالیت مسئله کنترل کامل دولت بر صنعت بیمه است که از طریق شرکت بیمه اتکایی دولتی (نیجریه ری) اعمال می شود.

مجموع دارائی های این شرکت بالغ بر ۳/۷ میلیارد نایره (واحد پول نیجریه) است که معادل بیش

را متحمل می شوند. چون این شرکت ها مجبورند میزان حق بیمه هایی که سهم فزاینده ای در بیمه گری و نتایج سرمایه گذاری دارند را از پیش تعیین کنند. از طرفی نیز نسبت سهم بیمه گر اتکایی از خسارت ها و کارمزدهای دریافتی بیمه گر واگذارنده با سود متصور عملیات اتکایی قابل مقایسه نبوده و علاوه بر آن این حق بیمه ها می توانند افزایش سرمایه های بیمه ای و ظرفیت نگهداری ریسک بیمه گر واگذارنده را در بر داشته باشند.

علی رغم این مسئله، بیمه اتکایی نیجریه همچنان به حفظ سهم واگذاری های قانونی خود اصرار دارد. این مقاله سعی دارد خاستگاه های توسعه بیمه اتکایی نیجریه را مورد مطالعه قرار داده و به بحث پیرامون ناکارآمدی دولت در صنعت بیمه بپردازد. بدین منظور مقاله به پنج بخش تقسیم شده است. بخش اول مقدمه است، بخش دوم به بررسی منابع بیمه اتکایی در نیجریه می پردازد. بخش سوم میزان تاثیر برنامه تعدیل ساختاری (Structural Adjustment programme - SAP) را بر فعالیت های اتکایی نیجریه بررسی می کند.

بخش چهارم نگاه منتقدانه ای به تاثیر واگذاری اجباری ۲۰ درصدی در توسعه شرکت بیمه اتکایی نیجریه دارد و در بخش آخر نتیجه گیری خواهیم کرد.

خاستگاه های بیمه اتکایی در نیجریه

از آغاز فعالیت بیمه ای در کشور نیجریه خطرات بیمه شده تحت پوشش بیمه اتکایی قرار داشته اند. برای مطالعه تاریخچه بیمه اتکایی باید ابتدا

سال ۱۹۷۷ بیمه اتکایی نیجریه تسهیل شد. بدین صورت که این قانون کلیه شرکت های بیمه کشور را موظف به واگذاری ۲۰ درصد از پرتفوی بیمه ای خود به شرکت بیمه اتکایی نیجریه کرد. علاوه بر این، حق عدم واگذاری ۸۰ درصد مابقی کار به شرکت های بیمه اتکایی خارجی نیز به این شرکت اعطا شد.

این قانون در ابتدا جهت حمایت از شرکت تازه تاسیس بیمه اتکایی نیجریه در مقابل رقبای خارجی و حفظ ارزش موجود از طریق افزایش ظرفیت نگهداری ریسک در کشور تصویب شد، ولی اکنون شرایط دستخوش تحول شده و در حال حاضر سه شرکت بیمه اتکایی داخلی در حال فعالیت هستند و دولت از طریق آزاد سازی اقتصادی و تجمع یارانه ها یک برنامه اصلاحی ساختاری اتخاذ کرده است (به جدول یک مراجعه کنید) طی این برنامه جدید مسئله تحمیل معضلات مالیاتی ناشی از عملیات واگذاری قانونی بر شرکت های بیمه واگذارنده مورد بررسی قرار گرفته و بیان شد که استفاده از واگذاری قانونی برای شرکت های بیمه واگذارنده این مزیت را دارد که از طریق واگذاری حق بیمه اتکایی به بیمه گر اتکایی ریسک های خود را توزیع کرده و نیز از بیمه گر اتکایی کارمزد دریافت می کنند و از هزینه فرضی حق بیمه واگذار شده به شکل مشارکت در منافع بیمه گری (در صورت حصول) بهره مند شده و درآمد سرمایه گذاری پیش بینی شده ای نیز برای بیمه گر در بر دارد، اما واقعیت این است که شرکت های بزرگ با مدیریت و سرمایه مناسب و توان نگهداری بالای ریسک و ضریب خسارت نسبتاً پایین، به واسطه این نوع واگذاری، مالیات بر درآمد مضاعفی

سیر تحولات بیمه ای را دنبال کنیم. بدین منظور می توان به تقارن آغاز فعالیت های بیمه ای این کشور با ظهور شرکت های تجاری بریتانیایی در منطقه و افزایش تجارت بین منطقه ای اشاره کرد.

در نتیجه افزایش فعالیت های تجاری، صنایع بانکداری و کشتیرانی نیز فعال شده و شرکت های خارجی علی رغم میل خود ناگزیر از تعامل با شرکت های بیمه ای این کشور شدند. متعاقب آن شرکت های بیمه خارجی اقدام به اعطای نمایندگی بیمه به شرکت های تجاری کرده و در نتیجه این شرکت ها با ارائه پوشش هایی خسارت ها را کنترل می کردند. اولین شرکت از این دست در سال ۱۹۱۸ تاسیس شد و در همین زمان شرکت های تجاری در افریقا و افریقای شرقی شرکتی تحت عنوان شرکت رویال اکسچنج اینشورنس اجنسی (Royal exchanging insurance agency) وارد صحنه کردند. سپس از نمایندگی های دیگری از قبیل: پاترسون زوخونیس (PZ)، لیورپول، لندن و گلوب، بی و ا (BEWA)، لیگال و جنرال اینشورنس و لایو نیون راک، شروع به کار کردند. بعدها برخی از این نمایندگی ها دستخوش تحول شده و به شعب ادارات تابعه شرکت های خود تبدیل شدند که می توان به شرکت رویال اکسچنج اینشورنس در سال ۱۹۲۱ یا شرکت بیمه عمومی و قانونی بی و ا (BEWA) در سال ۱۹۴۸ و شرکت های بیمه نورویچ یو نیون، فایر اینشورنس سوسایتی و شرکت با مسئولیت محدود بیمه تنباکو تاسیس شده در سال ۱۹۴۹ اشاره کرد. اولین شرکت بیمه داخلی به نام شرکت بیمه مسئولیت محدود افریقا در سال ۱۹۵۸ تاسیس شد. تا هنگام

استقلال نیجریه در سال ۱۹۶۰ تنها ۴ شرکت و سپس ۲۵ شرکت خصوصی وجود داشت. تا سال ۱۹۷۶ تعداد شرکت های داخلی بیشتر از شرکت های خارجی شد، در این سال از تعداد ۷۰ شرکت بیمه فقط ۱۴ شرکت خارجی و ۴۶ شرکت دیگر داخلی و ۱۰ شرکت دیگر نیز یا کلاً متعلق به دولت های ایالتی و یا دولت فدرال بودند. با این حال شرکت های داخلی عملکرد چندان مثبتی نداشتند، چرا که شرکت های خارجی ۵۰ درصد از درآمد حق بیمه ناخالص همه شرکت های بیمه را در اختیار داشتند و سهم شرکت های داخلی از این میزان از ۱۷ درصد فراتر نمی رفت و تحلیل این بود که علی رغم حضور قابل ملاحظه شرکت های بیمه داخلی، حجم کار به سوی شرکت های خارجی سرازیر می شد. ادارات مرکزی شرکت های خارجی در نیجریه با ارائه راهکار آموزش های ویژه، شرکت های تجاری خارجی را به همکاری بیمه ای با شرکت های متبوع کشور خود ترغیب می کردند و همین موضوع باعث تشدید این نا برابری می شد و در صورت عدم وجود شرکت های بیمه ای کشور متبوع بعنوان یک سیاست محدود کننده به آن ها توصیه می شد که کارها را ترجیحاً نزد شرکت های بیمه خارجی دیگر بیمه کنند تا شرکت های بیمه نیجریه ای).

واضح بود که شرکت های بیمه خارجی فقط برای تامین منافع خودشان قدم بر می داشتند و رشد و توسعه آفریقایی ها برایشان اهمیتی نداشت. البته همین بی توجهی های شرکت های خارجی بود که موجب تشدید حرکت های ملی و استقلال طلبانه شد. از این رو دولت های استقلال یافته آفریقایی

جهت تسریع روند بهبود وضعیت اقتصادی مردم چاره ای جز دخالت مستقیم در امور اقتصادی از جمله بیمه نداشتند. در آن زمان این تفکر حاکم بود که چون اغلب مردم آفریقایی توان مالی جهت رقابت در این امور را ندارند، این وظیفه دولت است که باید برای رقابت با شرکت های خارجی اقدام به تاسیس شرکت های بیمه داخلی نموده و از منافع قشر فقیر حمایت کند. به علاوه به واسطه تسلط صنعت بیمه بیگانه منابع محدود ارزی داخلی به صورت حق بیمه خارج از کشور سرازیر می شد و نتیجه گرفته شد :

که دلگرمی ناشی از افزایش کمی شرکت های بیمه داخلی در مقابل شرکت های خارجی بی مورد بود. چرا که در عمل همچنان حجم عظیم کار نصیب شرکت های خارجی می شد. دولت های خارجی اغلب به تجار و سرمایه گذاران خود توصیه می کردند که پوششهایشان را از شرکت های بیمه کشورهای متبوع خود خریداری کنند تا بدین طریق پیوسته حجم عمده کارهای بیمه ای نیجریه تحت سلطه خارجی ها باقی بماند و ارز خارجی وارد کشور نشود. گاه شرایط دشوارتر از این بود، زیرا از خارج از کشور نیز فشار وارد می آمد به نحوی که بخش عظیمی از کارهای بیمه ای در خارج از نیجریه و نزد شرکت های خارجی و یا شعب آن ها در داخل بیمه می شدند.

از سال ۱۹۶۰ کمیته تجارت و توسعه سازمان ملل در راستای همین فشارهای خارجی دولت های کشورهای در حال توسعه را ترغیب می کرد تا جهت همکاری مستقیم با بازار بیمه از خط مشی های زیر پیروی کنند :

• تقویت بازار بیمه داخلی جهت پوشش

دادن منابع ملی اقتصادی و بیمه ای خود.

• تاسیس و تقویت شرکتهای بیمه و بیمه اتکایی داخلی در حد توان .

• ایجاد ثبات و تضمین جهت سرمایه گذاری ذخایر فنی ناشی از عملیات بیمه و بیمه اتکایی در داخل، با در نظر گرفتن اصول لازم برای سرمایه گذاری مانند: اصل امنیت، نقدینگی و بازدهی.

• تضمین پوشش عملیات بیمه ای ناشی از فعالیت های اقتصادی کشور توسط بازار بیمه داخلی ایالت های در حال توسعه .

• ایجاد همکاری های نزدیک دوجانبه بین نهادهای بیمه ای و بیمه اتکایی در سطوح منطقه ای یا شبه منطقه ای.

در سال ۱۹۶۹ دولت با توجه به فشارهای خارجی و فشارهای سیاسی - اقتصادی داخلی اقدام به تاسیس شرکت بیمه ملی نیجریه (NICON) کرد. در بخش چهارم اختیارات قانونی، وظایف زیر به عهده شرکت گذاشته شد :

• انجام فعالیت در همه رشته های بیمه ای از جمله بیمه عمر و انجام بیمه و بیمه اتکایی خسارات ناشی از هر گونه خطر یا احتمال وقوع آن و مسائلی از این قبیل.

• بیمه کردن اموال دولت فدرال یا دولت هر یک از ایالت های فدراسیون یا شرکت های قانونی .

• پذیرش بیمه اتکایی هر بخش از ریسک هایسی که به عهده دیگر اشخاص است (ریسک ها باید به گونه ای باشند که شرکت بتواند آن ها را بیمه کند) و واگذاری مجدد هر بخش از

آن ها و ...

• ایفای نقش نمایندگی یا دلال بیمه جهت فعالیت های بیمه ای به ویژه در بخش اموال دولتی و شرکت های قانونی.

شرکت ملی نیجریه (NICON) مجوز قبولی اتکایی اجباری به میزان ۱۰ درصد کلیه بیمه نامه های صادره در کشور را گرفت، اما علی رغم استفاده از این امتیاز قانونی موفقیت چندانی به دست نیاورد و این گونه توجیه شد که :

از آنجا که هدف اصلی شرکت انجام بیمه اتکایی نبود، تاثیر قابل ملاحظه ای نیز در توسعه بیمه اتکایی حرفه ای صورت نپذیرفت و بیمه گران اتکایی خارجی مقیم کشور همچنان حرف اول را می زدند.

با این وصف تعجبی نداشت که دولت فدرال در اواسط سال ۱۹۷۰ تصمیم به تاسیس یک شرکت بیمه اتکایی ملی بگیرد.

کمیته اوکیگو در امور مالی نیجریه این تصمیم را به تعویق انداخته و توصیه کرد که شرکت جدید باید حق عدم واگذاری هر یک از رشته های بیمه اتکایی قبل از واگذار شدن به بازار بین المللی را داشته باشد. گزارش کمیته بدین شرح بود که، فقدان تسهیلات بیمه اتکایی در نیجریه ناشی از خروج سرمایه های بیمه ای از کشور است با وجود ۵۰ سال فعالیت صنعت بیمه هیچگونه بازار فرعی ایجاد نشده، بنابراین تاسیس شرکت ملی بیمه اتکای از جانب دولت فدرال قدم مثبتی به شمار می رود. این شرکت متضمن حفظ و نگهداری بخش عظیمی از درآمد حق بیمه صنعت در داخل کشور بوده و ما توصیه می کنیم که شرکت از حق عدم واگذاری هر یک از رشته های

بیمه اتکایی، قبل از واگذار شدن به خارج، برخوردار باشد.

متعاقب آن دولت نیجریه طی حکم شماره ۴۹ سال ۱۹۷۷ مجوز تاسیس شرکت بیمه اتکایی کشور را صادر کرد.

اهم وظایف این شرکت عبارتند از :

- انجام هر گونه بیمه و بیمه اتکایی از جمله بیمه عمر و بیمه اتکایی هرگونه خسارت ناشی از خطر یا احتمال وقوع آن از هر حیث و به هر میزان .
- انجام هرگونه بیمه اتکایی در هر یک از رشته های بیمه ای و بیمه اتکایی و پذیرش هرگونه ریسک توسط شرکت و عقد قرارداد بدین منظور .
- قبول بیمه اتکایی هر بخش از ریسک مورد تعهد اشخاص (مشروط به توانایی شرکت در انجام تعهدات) و واگذاری مجدد هر بخش از آن. این حکم به شرکت اجازه می داد تا ۲۰ درصد از کلیه فعالیت های بیمه ای کشور را اتکایی کند.

همچنین در پی پیشنهاد سیستم مالی نیجریه (اوکیگو) حکم مذکور حق عدم واگذاری هر بخش از ۸۰ درصد کار بیمه شده نزد شرکت های بیمه اتکایی خارجی را به این شرکت اعطا کرد. به موجب این حکم کلیه بیمه گران واگذارنده از تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۸ به بعد باید ۲۰ درصد از مبلغ بیمه شده در هر یک از بیمه نامه های صادره یا تمدیدی را بیمه اتکایی کرده و بلافاصله مبلغ بیمه شده در بیمه نامه را که متناسب با حق بیمه دریافتی بیمه گر واگذارنده است، هنگام صدور یا تمدید فعالیت اتکایی مذکور، اتکایی اجباری کند و شرکت حق واگذاری هر بخش های از کار را به خارج از کشور ندارد. شرکت

برنامه تعدیل ساختاری، عمدتاً مبتنی بر نفت بوده و وابستگی شدید به واردات و توسعه بخش عمومی داشت.

در آن زمان مدیریت پولی وابسته به ابزار مستقیم مالی مانند: سقف اعتبارات، نظارت بر اعتبارات دریافتی، بهره اداری و نرخ های ارزی و استفاده از ذخایر نقدی و سپرده های ویژه بود و اساساً با توجه به توسعه نیافتگی بازار مالی، به کارگیری ابزارهای مالی میسر نبود. همچنین جذب سریع ارزهای خارجی هنگام افزایش تولید نفت و منطقه منجر به افزایش هزینه های دولت می شد. پس از گذشت چندین سال از وضع مقررات نظارتی و صدور مجوزهای واردات، در سال ۱۹۸۶ مدیریت (بابانگیدا) تحت فشار صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تصمیم به اجرای برنامه اصلاحی SAP گرفت، هدف این برنامه ایجاد تراز پرداخت موثر از طریق تغییر و بازسازی الگوهای اقتصادی تولید و مصرف و قیمت های کاذب، کاهش وابستگی شدید به صادرات نفت خام و مصرف کالاهای وارداتی، افزایش صادرات غیر نفتی، منطقی کردن روند توسعه بخش عمومی، افزایش توان بالقوه بخش خصوصی و در نهایت نیل به توسعه پایدار بود. برای دستیابی به این اهداف راهکارهای اساسی برنامه مبتنی بر تعیین نرخ نایره بر پایه نرخ ارز پایه بازار، مقررات زدایی تجارت خارجی و نظام پرداخت ها، کاهش قیمت ها، نظارت های مدیریتی، اتکاء بیشتر به بازار به عنوان تعیین کننده اصلی فعالیت های اقتصادی و رفع نظارت دولت بر صنایع مختلف از جمله صنعت بیمه بود. اجرای برنامه تعدیل ساختاری طبیعتاً مشوقی

بیمه اتکایی ملی نیجریه مراتب را از طریق صدور گواهینامه نسبت به بیمه گر اعلام می کند. مقرراتی که در زمان اعلام تاسیس شرکت ملی بیمه اتکایی نیجریه تعیین شد به این معنی بود که دولت نیجریه یک رژیم نظارتی بر ارز خارجی را اعمال کند. به علاوه برداشت عموم بر این پایه بود که دولت باید تمام قوای مستقیم و غیر مستقیم خود را برای افزایش سهم اقتصاد ملی افریقائیان انجام می داد و بیان شد که تجربه در طول تاریخ نشان داده که استقلال ملی بدون استقلال اقتصادی مانند یک هسته تو خالی است و بر همین اساس نمی توان انتظار داشت که همیشه منافع سرمایه گذاران خصوصی خارجی در اقتصاد نیجریه مقدم و یا همسان منافع ملی است. صرفاً با شمار دادن نمی توان به توسعه صنعتی و نیل به اهداف ملی امیدوار بود. یک ملت به واقع مستقل نمی تواند به خود اجازه دهد که اهداف و خواسته هایش بازچه دست سرمایه داران قدرتمند خارجی شود. پس واضح است که دولت باید به منظور حفظ منافع مردم نیجریه سهم بیشتری از دارائی های کشور را در دست بگیرد. به بیان دیگر ضرورت ایجاد می کرد که برای حفظ منابع محدود ارز خارجی، حمایت از شرکت های جدید التاسیس داخلی در بازار اتکایی این امر محقق شود، با این وجود با اتخاذ برنامه تعدیل ساختاری در سال ۱۹۸۶، نگرش عمومی به ماهیت اقتصادی کشور و نحوه دخالت دولت در امور مورد تجدید نظر قرار گرفت.

تأثیر برنامه تعدیل ساختاری بر بیمه

اتکایی نیجریه

اقتصاد نیجریه قبل از ارائه برنامه تعدیل

برای ورود شرکت های جدید به بازار اتکایی بود، به طوری که قبلاً ذکر شد این شرکت های جدید عبارت بودند از: شرکت بیمه اتکایی کانتیناتال، شرکت بیمه با مسئولیت محدود گلوب و شرکت بیمه اتکایی با مسئولیت محدود یونیورس.

این شرکت های داخلی تحت نظر دولت نیستند. هدف از تاسیس این سه شرکت توسط برنامه تعدیل ساختاری تحصیل منافع حاصله از جو رقابتی جدید بود. متأسفانه دولت این برنامه اصلاحی را طبق برنامه ریزی تعیین شده اعمال نکرد. مثلاً در بیمه اتکایی، دولت به جای خصوصی سازی، عملاً اقدام به تجاری سازی شرکت بیمه اتکایی نیجریه کرد. رئیس کمیته فنی شرکت تفاوت بین خصوصی سازی و تجاری سازی را اینگونه بیان می کند:

در نتیجه خصوصی سازی شرکت، دولت از منافع حاصل از واگذاری قانونی خود محروم می شود، حال آنکه در تجاری سازی شرکت به طور اعم یا اخص، مسئله محرومیت دولت از منافع خود منتفی است و منظور فقط تفکیک کلیه اشکال حمایتی غیرترمه ای دولت در مقابل نگرش های ترجیحی بوده و یا به عبارتی نوعی تفکیک قلمرو دولتی از رقبای داخلی و خارجی می باشد. تجاری سازی در نیجریه عملاً نتیجه ای جز تداوم هزینه های ناکارآمدی دولت بر دوش مردم نداشت. این امر از طریق کمیت کاری صرف، سود عملیاتی و تسلط همه جانبه شرکت بیمه اتکایی دولتی نیجریه بر بازار بیمه اتکایی به وقوع پیوست. با ادامه روند سود آوری شرکت بیمه اتکایی نیجریه به نفع دولت، جای تعجب نبود که این شرکت همچنان ۲۰ درصد سهم اتکایی اجباری خود را به

شرکت های بیمه ای کشور تحمیل کند و حق عدم واگذاری ۸۰ درصد باقیمانده را قبل از واگذاری به خارج برای خود قائل شود. همچنین دور از انتظار نیست که شرکت بیمه اتکایی نیجریه به حکومت بلامنازع خود در حوزه بیمه اتکایی کشور ادامه دهد. احتمالاً یکی از جذابیت های حفظ شرکت های دولتی برای دولت به جهت حفظ قدرت انتصاب اعضای هیئت مدیره و سمت های رده بالای مدیریتی بوده و بی شک کانال مناسبی برای ایفای نقش پدر خواندگی سیاسی بود. متأسفانه در اجرای این برنامه ها مسئله رقابت و ارزش های کاری آن چنان که باید مورد نظر قرار نگرفته و فضای متغیر سیاسی کشور موجب تغییر مکرر اعضای هیئت مدیره و مدیریت های رده بالا شده است. این مسئله مانعی برای توسعه پایدار بود چرا که دولت حتی تحت یک رژیم تجاری گرا بی تردید نقش مداخله جویانه خود را ایفا می کرد. مثلاً در سال ۱۹۹۳، دولت به طور ناگهانی اقدام به جابجایی مدیران عامل شرکت بیمه ملی نیجریه و شرکت اتکایی نیجریه کرد یا در نتیجه تجاری سازی، معضل تغییر محل اداره مرکزی شرکت اتکایی نیجریه به شهر آبوja حل نشد.

آبوja (Abuja) یک شهر کوچک اداری بوده و پایتخت جدید نیجریه به شمار می رود. شرکت از نظر تجاری ترجیح می داد ستاد خود را در لاگوس حفظ کند اما نظر دولت بر خلاف آن به شرکت تحمیل شد، لذا این تغییر مکان با صرف هزینه زیاد و بدون هدفمندی انجام گرفت. مطمئناً شرکت های خصوصی با اینگونه تحمیل نظرات میانه ای ندارند.

مسئله دیگر تضعیف توانایی صنعت بیمه در

دولت برای هماهنگ کردن سیاست های مالی و پولی با هدف نیل به ثبات پولی ناکام مانده و گاه منجر به تورم فزاینده شود. افزایش ۵۰ درصدی تورم در سال های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵ شاهدهی بر این مدعاست. از آنجا که بسیاری از کارهای بیمه ای بلند مدت هستند طبیعی است که شرکت های بیمه و بیمه اتکایی نسبت به تورم حساس باشند. برای مثال: بیمه نامه عمر را در نظر بگیرید که با هدف ایجاد اندوخته برای نیازهای آینده صادر شده باشد، که در صورت وجود ارزش واقعی اندوخته در انقضای مدت بیمه نامه بسیار پایین تر می آید.

بنابراین بیمه گذاران در شرایط تورمی انگیزه خود را برای خرید این نوع بیمه نامه ها از دست خواهند داد. البته انتقادات در مورد بیمه نامه های تورمی دولت به مزاج هیئت مدیره شرکت بیمه اتکایی نیجریه که منتخب دولت است خوش نمی آید، چه رسد به اینکه راجع به تجدید نظر دولت در مورد ۲۰ درصد حق واگذاری قانونی تحمیلی به کلیه کارهای بیمه ای و حق عدم واگذاری کار به خارج از کشور که بیشتر موقعیتش را به خطر می اندازد، سخنی به میان بیاید. عاملیت عمده شرکت های دولتی بر صنعت بیمه توانایی صنعت بیمه را در نقد و بررسی عملیات و تصمیمات دولت محدودتر می کند و قربانی اصلی تداوم امتناع دولت از ایجاد یک فضای رقابتی و با ثبات اقتصادی برای بیمه و بیمه اتکایی در نیجریه، شرکت های بیمه اتکایی داخلی هستند. فضای کاری ناسالم و ناعادلانه ایجاد شده توسط دولت توان ادامه کار و رشد و نمو را از این شرکت ها می گیرد و این امر اعتراض شرکت های بیمه اتکایی داخلی را در بر

پیمگیری عملکرد دولت است. یعنی در صورت تعارض اقدامات دولت با منافع صنعت بیمه این تسلط دولتی است که حرف آخر را می زند و از آن جمله می توان به مشکل تورم اشاره کرد. علیرغم ارائه برنامه تعدیل ساختاری، دولت از وفاداری به هر گونه نظم مالی امتناع کرده و این امر منجر به وضع قوانین BOFID و CBN شد مثلاً، قانون CBN باعث افزایش قدرت نظارت بانک ها بر طراحی و انجام سیاست های مالی شد، ولی به استقلال بانک مرکزی ضربه زد. این قانون مفادی داشت که وفاداری به آن ها دستیابی به اهداف سیاست ثبات پولی را تضمین می کرد. برای مثال ماده ۳۳ این قانون اشاره می کند که:

بانک می تواند به دولت فدرال در صورت کسری درآمد بودجه موقت با بهره تعیین شده از طرف بانک، کمک مالی کند. مجموع مبالغ این کمک ها در هر زمان از ۱۲/۵ درصد برآورد درآمد بودجه مجدد دولت فدرال در سال اعطای کمک مالی تجاوز نخواهد کرد. کلیه وام های اعطایی به این بخش باید در اسرع وقت بازپرداخت و در هر حال تا انتهای سال مالی وام های اعطایی توسط دولت مستهلک شده و در صورت عدم بازپرداخت در انتهای سال، اعطای وام در سال بعد منوط به بازپرداخت وام های موقوفه خواهد شد. با این حال این اقدامات تاثیر چندانی به ویژه در بخش نظامی بر دولت نداشته و هیچ گونه نظم مالی را موجب نشد. علیرغم مفاد بخش ۳۳ قانون CBN، این کمک های مالی بی وقفه کسری های بودجه دولت را جبران و میزان ۵۰ درصد درآمد بودجه شده در برخی سال ها را از طریق وام های اعطایی افزایش داد. این امر موجب شد تا تلاش های

واگذاری های قانونی شرکت اتکایی نیجریه

در بخش قبل گفته شد که امتیاز واگذاری قانونی از ابتدای شروع به کار شرکت بیمه اتکایی نیجریه توسط دولت به این شرکت اعطا شد و هدف آن حمایت از اولین شرکت داخلی تاسیس شده در بازار بیمه اتکایی نیجریه بود. با این حال وضعیت کنونی دگرگون شده و دولت نیجریه برنامه تعدیل ساختاری را به منظور مقررات زدایی از اقتصاد و اتکا بیشتر به نیروهای بازار کار اجرا کرد و بر اساس ماهیت مقررات زدایی همین برنامه بود که بخش خصوصی فعال در نیجریه حتی در حال حاضر دولت را به حذف واگذاری های قانونی و ایجاد یک فضای مناسب برای کارهای اتکایی وادار می کند. نگرش صنعت بیمه نیجریه به این مسئله اختصاراً به شرح زیر است:

امتیاز واگذاری های قانونی شرکت های بیمه را وادار می کند تا ۲۰ درصد از کلیه کارهایشان را به شرکت بیمه اتکایی نیجریه واگذار کنند و بدین جهت بیمه گران پیوسته خواهان لغو این بخش از قانون بیمه اتکایی بوده اند. وجود سه شرکت بیمه اتکایی داخلی دیگر در حال حاضر به این مخالفت ها شدت بخشیده، حتی آنکتاد نیز نگرش خود را نسبت به واگذاری قانونی اجباری در کشور های در حال توسعه تغییر داده است و اکنون این کشورها را تشویق می کند تا فعالیت های بیمه ای خود را به تدریج به سمت فضای بازار آزاد سوق دهد. آنکتاد در گزارش بیمه ای خود در سال ۱۹۹۳ اشاره می کند که شرکت های بیمه اتکایی که از واگذاری های قانونی برخوردارند باید در نظر داشته باشند که با اینکه

دارد. برای نمونه در سال ۱۹۹۶ رئیس هیئت مدیره شرکت اتکایی، با مسئولیت محدود کانتیناتال اعلام کرد که:

ارقام خسارتی در سال ۱۹۹۶ بیانگر جنایت و فساد فزاینده اخلاقی است. ناپدید شدن میلیون ها نایره در جریان سرقت های بانکی قابل پیش بینی نبود. خسارت های ناشی از فریبکاری های بانکی در بیمه صداقت و امانت فزونی یافته، ضعف قدرت خرید و کاهش نقدینگی بخش تجاری باعث افزایش نرخ افت حق بیمه در بازار شده و نتیجتاً ابطال بیمه نامه ها و تاخیر در پرداخت حق بیمه به واسطه کاهش درآمد، را در پی داشته است. رئیس هیئت مدیره شرکت بیمه اتکایی گلوب در سال ۱۹۹۷ در گزارش سالانه خود اعتراض مشابهی بدین مضمون داشت که: محیط کاری ما با بی ثباتی و فقدان امنیت کاری مواجه شد. ضعف نرخ ارزی ما به همراه مشکلات سیاسی کشور تهدید جدی برای فعالیت های خارجی به ویژه امور بیمه ای اقتصاد بوده و صنعت بیمه از فشار شدیدتری رنج می برد که از ناحیه کاهش توران خرید پوشش های بیمه ای توسط بیمه گذاران وارد می شود و همین فشار اقتصادی وارده بر شرکت های بیمه، مستقیم به بیمه گران اتکایی منتقل می شود. فشارهای اجتماعی و اقتصادی و بی ثباتی سیاسی و واگذاری های قانونی شرایط مورد علاقه شرکت بیمه اتکایی نیجریه را فراهم آورده و زمینه ای نامتعادل و خفقان آور برای رقابت و توسعه بیمه اتکایی ایجاد کرده است. متأسفانه واگذاری های قانونی نه تنها مانع پیشرفت بیمه اتکایی شده، بلکه عدم توسعه شرکت بیمه اتکایی را نیز به دنبال داشته است.

حاضر توانایی جذب ریسک بیشتری وجود دارد، اما هنوز ارزش خارجی توسط شرکت های خارجی از کشور منتقل می شود. از آنجایی که ظرفیت پذیرش ریسک هایی که به خارج واگذار می شود، در داخل وجود دارد، توصیه می کنم که سهم واگذاری اجباری شرکت ها افزایش یابد.

چنین تقاضاهایی به دلایلی منطقی نیستند. اولاً شرکت بیمه اتکایی نیجریه در حال حاضر حق عدم واگذاری نسبت به ۸۰ درصد باقیمانده کار را دارد و در واقع قانون انجام این واگذاری ها به شرکت های خارجی را منوط به مجوز کتبی این شرکت کرده و بنابراین نیازی به افزایش سهم واگذاری قانونی نیست، ثانیاً شرکت می تواند با اعمال این امتیاز آن بخش از ظرفیت به جا مانده خود را پر کند. یکی دیگر از این مدیران کل در دفاع از این امتیاز استدلال می کند که این مسئله به شرکت های بیمه کمک می کند تا ریسک های پایین تر از حد استاندارد خود را که قابل واگذاری به دیگر شرکت ها نیستند، پوشش دهند و با انتقاد از عدم پذیرش این امتیاز توسط شرکت های بیمه اشاره کرد که اینکه سود ناشی از سهم یک شرکت ملی در همه ریسک های کشور باید فراتر از زیان احتمالی باشد سخن گزافی نیست. واگذاری قانونی تصریح دارد که شرکت بیمه اتکایی باید درصدی از هر ریسک را بپذیرد حتی اگر بیمه نامه های اولیه با قیمتی که شرکت هیچ گاه نظارتی روی آن نداشته صادر شده باشند، در عوض شرکت های واگذارنده کشور این اطمینان را دارند که کلیه ریسک های استاندارد و غیر استاندارد خود را به طور خودکار تحت پوشش

استفاده از این امتیاز در سال های آغازی کار ضروری است، اما باید وابستگی به آن ها را کاهش دهند و در پی منابع بیمه ای دیگر باشند. برخی کشورهای در حال توسعه این توصیه ها را مدنظر قرار دادند، برای مثال، شرکت اتکایی تونس اکنون بدون اتکا به واگذاری های قانونی در حال فعالیت است. شرکت اتکایی کره نیز طی یک دوره ۱۰ ساله آن ها را حذف و اکنون کاملاً کنار گذاشته است. برخی شرکت های دیگر نیز داوطلبانه اقدام به کاهش سهم اتکایی اجباری خود کرده اند. شرکت اتکایی افریقا نیز به این استراتژی روی آورده و در گزارش حساب های سالانه ۱۹۹۶ خود اعلام کرد که شرکت با روی آوردن به واگذاری های اختیاری حجم حق بیمه های خود را بسیار افزایش داده و به موفقیت بزرگی نائل شده است.

در سال ۱۹۹۶ درآمد حاصل از واگذاری های اختیاری ۷۱/۳۹ درصد مجموع حق بیمه های شرکت برآورده شده است. اهمیت این موفقیت با مقایسه سهم ۶۷/۴۵ درصد سال ۱۹۹۵ و ۴۷/۵۶ درصد سال ۱۹۹۴ و ۴۱/۱۶ درصد سال ۱۹۹۳ آشکار تر می شود.

متأسفانه، شرکت بیمه اتکایی نیجریه اقدامی در این راستا انجام نداده و همچنان بخش اعظم حق بیمه های خود را از این طریق تامین می کند. از این رو عجیب نیست که مدیریت های سابق بیمه اتکایی دائماً از این حق اعطایی دولت حمایت می کنند. حتی برخی از آنها تقاضای افزایش این سهم را داشتند. در این بین یکی از مدیران کل پیشنهادی داد مبنی بر اینکه، با وجود پنج شرکت بیمه اتکایی، در حال

قرار دهند که این امر کاهش هزینه هایشان را در پی دارد و شرکت بیمه اتکایی نیجریه نیز با اعمال حق عدم واگذاری، اطمینان حاصل می کند که فقط آن بخش از ریسک که قابل نگهداری در داخل نیست به خارج واگذار می شود.

اگر بپذیریم که شرکت بیمه اتکایی نیجریه تمام تلاش خود را برای افزایش ظرفیت نگهداری صنعت بیمه به کار گرفته و نیز ارزش خارجی موجود را نیز حفظ کرده است باید این را نیز بپذیریم که تحت واگذاری قانونی شرکت باید از کلیه ریسک های استاندارد و غیر استاندارد هم سهم بپذیرد ولی واقعیت این نیست شرکت بیمه اتکایی نیجریه بیشتر تمایل دارد ریسک های استاندارد را گزینش کند تا ریسک های غیر استاندارد را در واقع اینکه چرا در گذشته و حتی اکنون مدیریت شرکت تمایلی به از دست دادن سود واگذاری قانونی نداشته این است که از لحاظ تئوری اگر قرار باشد شرکت ۸۰ درصد از ریسک ها را خودش پوشش دهد منطقی به نظر نمی رسد که آگاهانه ریسک های پایین تر از حد استاندارد را بپذیرد. پیش از تاسیس شرکت بیمه اتکایی نیجریه شرکت بیمه ملی نیجریه عامل بیمه اتکایی ملی بوده و از امتیاز ۱۰ درصد واگذاری قانونی برخوردار بود. همزمان با تاسیس شرکت بیمه اتکایی نیجریه در سال ۱۹۷۸ این امتیاز شرکت بیمه ملی نیجریه لغو شد. این امتیاز برای شرکت بیمه ملی نیجریه چنان سودآور بود که به مجرد لغو آن مشکلات عدیده ای در شرکت ایجاد شد، علاوه بر آن شرکت بیمه ملی نیجریه باید ۲۰ درصد از حق بیمه های خود را به شرکت بیمه اتکایی نیجریه واگذار می کرد.

این دو عامل تاثیر شدیدی بر منابع مالی شرکت گذاشت. به گفته مقامات شرکت بیمه ملی نیجریه در پی تاسیس شرکت بیمه اتکایی نیجریه، شرکت بیمه ملی نیجریه بخش عمده ای از درآمد خود را از دست داد و سهم واگذاری اعطایی دو برابر سهم شرکت بیمه ملی نیجریه بود، علاوه بر آن طبق ماده ۴۹ این قانون همه شرکت ها از جمله شرکت بیمه ملی نیجریه موظف به واگذاری ۲۰ درصد از حق بیمه نامه های صادره تمدیدی به شرکت بیمه اتکایی نیجریه کرده بود. از طرفی نیز شرکت بیمه اتکایی نیجریه از اول ژانویه ۱۹۷۸ مسئولیت پذیرش ۵ درصد از کلیه قراردادهای منعقد شده شرکت های بیمه ثبت شده در شرکت اتکایی افریقای را به عهده گرفت. واگذاری بخش قابل ملاحظه ای از درآمد حق بیمه به شرکت بیمه اتکایی نارضایتی همگان را در برداشت و شرکت ها از روند پیشرفت خود وحشت زده شدند. از این رو شرکت بیمه ملی نیجریه، به جای اخذ پوشش های مخاطره آمیز جدید بیمه ای نظیر بیمه محصولات کشاورزی توجه خود را به ارتقاء فروش بیمه های زندگی معطوف کرد. به بیانی با حذف این امتیاز شرکت بیمه ملی نیجریه وادار شد تا به منابع دیگر بیمه ای روی آورد که تاکنون از آنها غافل بود. اکنون برخی شرکت های بیمه ای مانند شرکت بیمه اتکایی افریقا متوجه هزینه های زیاد واگذاری های قانونی شده اند. یکی دیگر از علل توجه شرکت بیمه اتکایی نیجریه به مشکل اتکایی قانونی مسئله عدم وجود مشتری کافی جهت ادامه کار است چرا که به همین دلیل انجمن بیمه گران نیجریه NIA تاسیس یک شرکت جدید را به تعلیق درآورده و

نتیجه گیری

اگر چه اعطای امتیاز واگذاری قانونی به شرکت بیمه اتکایی نیجریه در ابتدای تاسیس این شرکت مفید بنظر می رسید، اما اکنون موعد مصرف آن منقضی شده است. اجرای برنامه تعدیل ساختاری توسط دولت فدرال و تاسیس چند شرکت بیمه اتکایی جدید، موید این مطلب است. اگر صنعت بیمه اتکایی نیجریه خواهان پیشرفت و توسعه واقعی خود است باید واگذاری اجباری ۲۰ درصدی را حذف کند. بنابراین امیدواریم که مدیریت کنونی شرکت بیمه اتکایی نیجریه نگرش خود را به وابستگی عمیق به واگذاری قانونی تغییر داده و از تبعات منفی آن حذر کند. مدیر عامل کنونی شرکت بیمه اتکایی نیجریه می گوید: وضعیت شرکت می توانست بهتر از این باشد، اما به نظر من وابستگی مفرط به واگذاری های قانونی رشد ما را محدود به یک فضای کاری محض کرده و این فضا برای شرکت مشکل زا بوده است. با این وجود واگذاری قانونی تنها فعالیت بیمه اتکایی نیجریه نیست و دولت به اهمیت ایجاد یک محیط کلان اقتصادی جهت انجام کارهای بیمه ای و بیمه اتکایی واقف شده است و فقدان چنین محیطی یکی از عوامل عدم تعادل بازار بیمه بین المللی به حضور در صحنه بیمه اتکایی نیجریه است.

واژگان کلیدی:

بیمه اتکایی پرتفوی بیمه ای حق بیمه ناخالص

تعدیل ساختاری.

منبع:

اظهار داشتند: با اینکه هنوز ظرفیت بیمه اتکایی شرکت های بیمه تکمیل نشده و می توان یک شرکت اتکایی دیگر تاسیس کرد، ولی با توجه به شکنندگی محیط کار و فقدان فضای کاری برابر از انجام آن معانعت به عمل می آوریم.

با توجه به فعالیت شرکت های اتکایی دیگر در کشور، این ادعا که واگذاری قانونی شرکت بیمه اتکایی نیجریه مانعی جهت خروج از کشور است موجه به نظر نمی رسد. به ویژه که شرکت های اتکایی خارجی ریسک های اتکایی کشور را به دقت زیر نظر دارند. به هر صورت این امتیاز شرکت اتکایی نیجریه آسیب جبران ناپذیری به شرکت های اتکایی داخلی وارد می کند و برای آن ها راهی جز پذیرش ریسک های ناخواسته و پس مانده شرکت های اتکایی و شرکت بیمه اتکایی نیجریه نمی گذارد و از این رو انتظار می رود لااقل قدرت زدایی بتواند به ایجاد بازاری برابر جهت کارهای اتکایی در کشور کمک کرده و افزایش رقابت و کاهش عدم کارایی صنعت را به ارمغان بیاورد. در این صورت صنعت بیمه می تواند به توسعه پایدار سیاست های کلان اقتصادی و اشاعه آن ها همت گمارد، در غیر این صورت اثر منفی و تنش زای سیاست های بی پروای مالی دولت در پوشش یارانه های گوناگون بر روی صنعت تداوم خواهد داشت. دست آخر اینکه مقررات زدایی می تواند موجب گشوده شدن بازار بیمه اتکایی خارجی در کشور شده و تزریق سرمایه های خارجی و دانش فنی مورد نیاز و سودمند برای صنعت بیمه اتکایی نیجریه را در پی داشته باشد.